

## امنیت و جنسیت: تفاوت‌های بین جنسی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای

حلیمه عنایت\*

دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مجید موحد

دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

اله رحم حیدری

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج

### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی رابطه جنسیت با احساس امنیت عمومی جوانان شهرهای شیراز و یاسوج است. روش مورد استفاده در این مطالعه پیمایشی و جمع آوری داده‌ها با ابزار پرسشنامه بود. یافته‌های پژوهش نشان داد تأثیر متغیر جنس تنها بر میزان احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان بارز است. بدین معنی که زنان، در هر سه وضعیت مقایسه‌ای شهر یاسوج، شیراز و در کل، احساس امنیت کمتری در مقایسه با مردان دارند؛ گرچه کمتر بودن احساس امنیت اقتصادی زنان نسبت به مردان تنها در بعد کلی معنادار بود، اما در بعد سیاسی تأثیر شرایط فرهنگی- اجتماعی بارزتر از تأثیر جنس بود، زیرا در هر سه حالت مقایسه‌ای زنان با زنان، مردان با مردان و پاسخگویان دو شهر با یکدیگر، پاسخگویان شهر یاسوج احساس امنیت سیاسی بالاتری از پاسخگویان شهر شیراز داشته‌اند.

### واژگان کلیدی

احساس امنیت اجتماعی، جنسیت، جوانان، شیراز، یاسوج

\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۰۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۰۹

## مقدمه

امنیت، ایجاد امنیت و مقابله با ناامنی از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده و به اندازه زندگی جمعی بشر قدمت دارد، اما پاسخ به سؤال‌هایی مانند امنیت چیست؟ امنیت چگونه حاصل می‌شود؟ امنیت چه کسی یا کسانی در اولویت است؟ و مهم‌ترین عوامل ناامنی چه چیزها یا کسانی هستند؟ در طی تاریخ و در درون و بین رشته‌های مختلف علمی متفاوت بوده است. در گذشته و تا پایان جنگ سرد به امنیت بیشتر از نظر عینی توجه می‌شد و دولت مهم‌ترین مرجع و کارگزار امنیتی به حساب می‌آمد؛ عوامل سخت<sup>۱</sup> مانند بیماری‌ها و قحطی‌ها، جنگ‌ها و دشمنان مهم‌ترین عوامل ناامنی تصور می‌شدند. انتشار کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس بوزان» مرجع امنیت را از دولت به افراد و اجتماعات تغییر داد و شکل‌گیری گرایش مستقل علمی با عنوان «جامعه‌شناسی امنیت» شد. ایده محوری این نوع تفکر تأثیرپذیری امنیت اجتماعی از روابط سیاسی- اجتماعی حاکم بر جامعه است (افتخاری، ۱۳۸۱).

امنیت اجتماعی به رابطه بین جامعه و اعضای فردی آن اشاره دارد. قید «اجتماعی» حداقل دو وجه دارد: وجه اول، امنیت اجتماعی متأثر از جامعه یا اجتماع است و تنها ناامنی‌های نشأت گرفته از مسائل اجتماعی ناامنی اجتماعی شناخته می‌شوند (هامالینین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵: ۲)؛ وجه دوم، یعنی جمع افرادی که به عنوان واحد اجتماعی مستقل به رسمیت شناخته می‌شوند، جمع‌هایی مانند خانواده، خویشاوندان، زنان و غیره. به عبارتی، اجتماع، مجموعه افرادی است که به جهت ویژگی‌های مشترک با یکدیگر پیوند خورده و به عنوان واحدی مستقل شناخته شده‌اند. واحدی مستقل که تعدادی افراد با خصایص مشترک را در خود جای داده است. واحد مستقل به معنای هستی‌شناختی و معرفتی، نه اینکه این اجتماعات قادر هستند نیازهای خویش را تأمین کنند. آنچه بدیهی است این‌که، تمامی اجتماعات به امنیت احتیاج دارند و الزاماً امنیت یک اجتماع به معنای امنیت اجتماع دیگر نیست (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۷۵).

در نتیجه پیوند دو ویژگی بالا امنیت اجتماعی امری زمینه‌وند<sup>۳</sup> بوده و اجتماعات مختلف در درون یک زمینه امنیت یا احساس امنیت یکسانی ندارند؛ همچنین، عوامل مخل امنیت آن‌ها

1. Hard Factors
2. Hamalainen
3. Contextual



می‌توانند متفاوت باشند. بنابراین، بعضی از متفکران از « گروه‌های آسیب‌پذیر» مانند زنان، سالخورده‌گان نام می‌برند که در معرض ناامنی بیشتری بوده یا بیشتر احساس ناامنی می‌کنند (لینچ و اتکینز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۲۵۸). بنابراین، یکی از قلمروهای مهم جامعه‌شناسی امنیت، بررسی وضعیت امنیت و احساس امنیت اجتماعات گوناگون در زمینه زندگی اجتماعی آنها است. «زنان» از مهم‌ترین اجتماعات هر جامعه‌ای هستند که به‌خاطر داشتن ویژگی‌های مشترک با یکدیگر پیوند خورده و به‌عنوان واحدی مستقل شناخته می‌شوند (نوبدینا، ۱۳۸۸: ۷۱). علاوه بر فراوانی کمی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت تشکیل دهنده هر جامعه؛ از نیمه دوم قرن بیستم، با توجه به اهمیت روزافزون نقش زنان در توسعه، ورود آنها به قلمروهای عمومی (محیط‌های آموزشی، محیط شغلی، محیط شهری ...) و به‌ویژه رشد جنبش‌های فمینیستی بحث امنیت زنان اهمیتی بسیار یافته است (گیدنز، ۲۰۰۲). واقعیت آن است که «در هیچ کشوری با زنان همانند مردان برخورد نمی‌شود» (باستانی، ۱۳۸۳)؛ در ایران، نیز، یافته‌های پژوهش‌ها بر نابرابری جنسیتی و مورد خشونت بودن زنان دلالت دارند: نابرابری‌ها در زمینه اشتغال و بیکاری (صادقی فسایی و کلهر، ۱۳۸۶)؛ جداسازی<sup>۲</sup> در بازار کار (افقی و عمودی) (افشاری و شبانی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶)؛ فعالیت‌های فرهنگی (رجب زاده، ۱۳۸۱)؛ مشارکت اجتماعی پایین‌تر زنان نسبت به مردان (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۴) و نگرانی‌های زنان در خارج از محیط خانه (نوروزی و فولادسپهر، ۱۳۸۸؛ اباذری و همکاران، ۱۳۸۷).

بنابراین، مطالعات امنیتی یکی از حوزه‌هایی است که نقش جنسیت در آن مهم بوده و به‌طور فراوانی به آن توجه شده است (بریک و ول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ هاگنسون و استووی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ بک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷)؛ اما درباره چگونگی رابطه جنسیت با امنیت و احساس امنیت، اندیشمندان نظریه‌های متفاوت و حتی متعارضی دارند. عده‌ای معتقد هستند مردان و زنان به‌دلایل زیست‌شناختی یا تجارب دوران اولیه خود، ترجیحات، ارزش‌ها، احساسات، رفتارها، عقلانیت و دیگر کیفیات آشکار متفاوتی دارند (ذات‌گرایان)؛ در مقابل، عده‌ای مدعی هستند تفاوت‌های بین جنسیتی در

1. Lynch & Atkins
2. Segregation
3. Afshari & Sheibani
4. Breakwell
5. Hogensen & Stuvoy
6. Beck

برابر تفاوت‌های درون جنسیتی ناچیز هستند و «ویژگی‌های اجتماعی» مبین تفاوت‌های بین جنسی هستند (حداقل گرایان) (چافتز، ۲۰۰۶: ۶۱۵). سؤال محوری مطالعات رابطه جنسیت، امنیت و احساس امنیت این است که تفاوت‌های رفتاری، نگرشی و احساسی زنان و مردان نتیجه جنبه‌های زیست‌شناختی جنسی است؟ یا منتج از جنبه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر است؟ (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

هدف اساسی مقاله حاضر پاسخ‌گویی به سؤال فوق با بررسی احساس امنیت زنان و مردان در دو زمینه اجتماعی متفاوت (ياسوج و شیراز) است. به علاوه، با ارزیابی احساس امنیت زنان و مردان در ابعاد مختلف، به این سؤال پاسخ دهد که آیا تأثیر زمینه اجتماعی یا جنس بر تمام ابعاد احساس امنیت یکسان است یا خیر؟ سؤال اصلی این است که: میزان احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرهای شیراز و ياسوج (در ابعاد مختلف) تا چه اندازه تحت تأثیر ویژگی‌های جنسی یا جنسیتی آنها قرار دارد؟

## مفاهیم اصلی

**امنیت:** امنیت، از نظر لغوی به معنی «ایمن شدن، در امان بودن، بی بیمی» (فرهنگ معین، ۱۳۶۰: ۳۵۲) است؛ اما از نظر مفهومی، مفهومی پیچیده بوده و تمایل زیادی برای به‌کارگیری و اطلاق آن بر مصادیق متفاوت و گاه متضاد وجود دارد (حاجیان، ۱۳۸۴). امنیت و ناامنی در رابطه با «اهداف و ابزارها» (دیویس، ۱۹۶۶)؛ «رهایی از نیاز» (امنیت شغلی، درآمد، سلامتی، امنیت محیطی...) و «ترس» (حاکمیت قانون) تعریف می‌شود (توماس، ۲۰۰۷: ۱۱۳). امنیت در سه سطح امنیت ملی، داخلی و عمومی مطرح است. امنیت عمومی (هدف مقاله حاضر) ناظر بر تولید و حفظ شرایطی است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌شود. در این سطح، وجوه امنیت عبارت از سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی است (قالیباف، ۱۳۸۴: ۳۶). امنیت دو بعد ذهنی (احساس امنیت) و

1. Chafetz

2. sex

3. Gender

جنس به تفاوت‌های زیست‌شناختی و کالبدشناختی و فیزیکی بدن میان زنان و مردان اشاره دارد؛ اما جنسیت به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی میان زنان و مردان مربوط است (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۹۲).



عینی (امنیت عینی) دارد و آنچه رفتار و اعمال آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد همان احساس امنیت یا احساس در امان بودن است (کلاهیچیان، ۱۳۸۴: ۱۴۱). احساس امنیت حالتی است که اغلب اعضای گروه یا جامعه طی آن خود را فارغ و مصون از هرگونه تهدید در معرض خطر بودن احساس می‌کنند (عبدالرحمنی، ۱۳۸۷: ۱۵). امنیت اجتماعی<sup>۱</sup> یعنی «فقدان تهدید نسبت به حقوق افراد، اعم از حقوق فردی و اجتماعی، که خود این حقوق به حقوق طبیعی (حقوق حیات، خانواده، اشتغال، ...)، وضعی (حقوق مدنی و سیاسی) و اجتماعی تفکیک‌پذیر است و هر دو بعد عینی (فقدان تهدید حقوق مذکور) و ذهنی (این احساس افراد که حقوق شان مورد تعرض قرار نمی‌گیرد) را شامل است (افروغ، ۱۳۸۱). دسته‌بندی‌ها درباره ابعاد و سطوح احساس امنیت اجتماعی متعدد هستند (افروغ، ۱۳۸۱؛ همایون مصباح، ۱۳۸۴؛ حاجیانی، ۱۳۸۴؛ دلاور و رضایی، ۱۳۸۶؛ خوش‌فر، ۱۳۸۴). این مقاله با اتکال بر گونه‌شناسی نهادی گیدنز (ترنر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۵۸۷) احساس امنیت جوانان شهرهای شیراز و یاسوج را در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قضایی ارزیابی و مقایسه کرد.

**امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی:** این گونه امنیت در رابطه با جرائم و میزان وقوع و ترس از وقوع آن‌ها تحلیل می‌شود. زیرا مسأله جرم موضوع تصورات عمومی از نظم اجتماعی و توافق اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جکسون، ۲۰۰۶: ۲۵۴). برای بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از شاخص آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه استفاده می‌کنند (امیدوار و جعفریانی، ۱۳۸۴: ۹۰). بنابراین، امنیت اجتماعی، مصونیت نسبی شهروندان از تعرض مجرمان است. شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی، انجام‌دادن فعالیت‌های روزمره بدون نگرانی از سرقت، مزاحمت خیابانی معتادان و ولگردان، تعریض به زنان، قتل و در کل تصور از میزان امنیت عمومی شهر است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶).

**امنیت قضایی و احساس امنیت قضایی:** امنیت قضایی را می‌توان عملکرد صحیح،

۱. در بیشتر متون امنیت اجتماعی و عمومی را به جای هم به‌کار می‌برند. در این مطالعه ما امنیت اجتماعی کلی را معادل با امنیت عمومی یا امنیت به‌معنای جامعه‌ای آن Societal در نظر گرفته‌ایم؛ یعنی امنیتی که در پرتوی تعاملات افراد با دیگر افراد و نهادهای جامعه در ابعاد مختلف حاصل می‌شود، اما بعد امنیت اجتماعی به یکی از ابعاد امنیت عمومی مربوط می‌شود که بیشتر در مقایسه با سایر ابعاد امنیت (تصادی و سیاسی) معنادار است.

2. Turner

به‌هنگام و بدون تبعیض سیستم قضائی در جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد تعریف کرد (علینقی، ۱۳۷۸: ۵۷). شاخص‌های احساس امنیت قضایی هماهنگی قوانین با علم روز و نیازهای جامعه، عادلانه بودن قوانین، ثبات قوانین، برابری در اجرای قوانین، استقلال قاضی، فقدان نفوذ روابط در دستگاه قضایی، برخورد قاطع با متخلفان و سرعت در رسیدگی به پرونده‌های قضایی است.

**امنیت اقتصادی و احساس امنیت اقتصادی:** امنیت اقتصادی دو جنبه دارد: ۱- امنیت سرمایه‌گذاری که در سطح بنگاه‌های اقتصادی حقیقی و حقوقی مطرح است؛ ۲) امنیت اشتغال و درآمد که عموم مردم را در برمی‌گیرد (جهانیان، ۱۳۸۱: ۹). امنیت اقتصادی به معنی توانایی نظام اقتصادی برای حفاظت از مردم در برابر انواع فشارهای خارج از کنترل آن‌هاست. شاخص‌های احساس امنیت اقتصادی، برابری حقوق و رفع تبعیض، فرصت تحصیلی برابر، امنیت اشتغال و درآمد، هماهنگی آموزش با نیاز بازار کار، تناسب افزایش درآمد و افزایش تورم، تأمین اجتماعی ایام بیکاری و بازنشستگی است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶).

**امنیت سیاسی و احساس امنیت سیاسی:** دولت یک کنش‌گر اساسی در مسائل امنیتی است (هم به‌عنوان علت و هم به‌عنوان راه حل). امنیت دولتی و امنیت انسانی از دو جهت مثبت و منفی با هم پیوند دارند. از جنبه مثبت امنیت دولتی یک ابزار مهم فراهم کردن امنیت انسانی است. از جنبه منفی رژیم‌های از نظر بیرونی تهاجمی و از نظر درونی سرکوب‌کننده می‌توانند منابع عمده ناامنی انسانی باشند (هامل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۱۱۷). شاخص‌های امنیت سیاسی عبارت هستند از: انتخابی بودن مسئولان، فرصت برابر برای انتخاب شدن برای سمت‌های سیاسی، آزادی بیان، هماهنگی بین مسئولان کشور، داشتن تخصص و دانش لازم مسئولان سیاسی، توانایی حل مشکلات کشور، توانایی برنامه‌ریزی برای پیشرفت جامعه، مقابله با تهدیدهای خارجی.

### پیشینه پژوهش

در پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد (۱۳۸۰) در ۲۸ مرکز استان کشور درباره «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، مشکلات اجتماعی از طریق این سؤال که «به‌نظر شما هر کدام از مسائل

1. Hommel



دزدی و کلاهبرداری، گرانی، نامنی، روابط نامشروع، ... تا چه اندازه در جامعه جدی و مهم است؟» بررسی شد. در همه موارد، درصد خیلی بالاتری از پاسخگویان شهر شیراز نسبت به شهر یاسوج آن‌ها را مسائل جدی می‌دانستند. برای مثال، ۹۰/۵ و ۷۰/۵ درصد از پاسخگویان شهر شیراز در برابر ۷۲/۳ و ۴۵/۲ درصد از پاسخگویان شهر یاسوج، دزدی و کلاهبرداری و نامنی را مسائلی خیلی مهم و جدی می‌دانستند. بر اساس پژوهش کرامتی (۱۳۸۵) درباره «میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان ۱۵ سال به بالای مراکز استان‌های کشور»، شهروندان شهر شیراز با داشتن میانگین امنیت ۲/۹۰، شهر خود را نسبتاً ناامن دانسته و از نظر ناامن ارزیابی کردن شهر خود در بیست و چهارمین رتبه کشور قرار گرفتند. پاسخگویان شهر یاسوج با داشتن میانگین امنیت ۳/۲۴، شهر خود را نسبتاً امن دانسته و در رتبه دوازدهم کشوری قرار گرفتند. در پژوهش‌های سازمان ملّی جوانان پیرامون «بررسی وضع انحرافات جنسی جوانان» (۱۳۸۲) و «گزارش آسیب‌های اجتماعی سال‌های ۸۰ - ۸۲» (۱۳۸۴)، نرخ همه انواع آسیب‌های اجتماعی مانند زنا، سرقت، اعتیاد ... در شهر شیراز زیادتر از شهر یاسوج بوده است و از نظر شیوع میزان جرم رابطه نامشروع، فارس رتبه چهارم و کهگیلویه و بویر احمد رتبه بیست و هشتم کشوری بوده است.

درباره تفاوت میزان احساس امنیت زنان و مردان، یافته‌های «پیمایش ملّی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (۱۳۸۲) در ۲۸ مرکز استان، زنان در موارد سیاسی و اقتصادی احساس امنیت بالاتری از مردان داشتند؛ اما دغدغه آن‌ها در موارد اجتماعی و فرهنگی (آزادی لباس پوشیدن، برگزاری جشن‌های مختلط...) بیشتر از مردان بوده است. پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۸۶) در شهر اسلام آباد؛ و خوش‌فر (۱۳۸۴) در مراکز شهرستان‌های استان مازندران بیان‌کننده بالاتر بودن میزان احساس امنیت اجتماعی مردان نسبت به زنان بود.

پژوهش‌هایی نیز به بررسی تنوع میزان احساس امنیت اجتماعی زنان اقدام کرده‌اند. عبدالهی (۱۳۸۳) با روش کمی «مشارکت مدنی زنان بالای ۱۵ سال در ایران» را با در نظر گرفتن عوامل مؤثر متمایز سه سطح کلان، میانه و خرد ارزیابی کرد. در سطوح فوق بر اساس شاخص‌های توسعه یافتگی (سه استان متمایز مرکز (تهران)، نیمه پیرامونی (همدان) و پیرامونی (سیستان و بلوچستان)؛ تعلق قومی و محیط خانوادگی و احساس زنان را از هم متمایز می‌داند. بر اساس یافته‌ها، بیشترین درصد زنان تهران از احساس احترام و امنیت متوسط

و احساس آزادی کم؛ بیشترین زنان همدان از احساس احترام و امنیت و احساس آزادی متوسط و بیشترین زنان سیستان و بلوچستان از احساس احترام و امنیت زیاد و احساس آزادی متوسط بهره‌مند هستند. ابادری و همکاران (۱۳۸۷)، با روش کیفی، مطالعه‌ای درباره «احساس ناامنی زنان در تجربه زنازه از زندگی روزمره» در شهر تهران انجام دادند. یافته‌های آن‌ها، بیان‌کننده تفاوت‌های ملاحظه‌پذیری میان زنان مورد مطالعه، بر اساس میزان تحصیلات و شاغل یا شاغل نبودن آن‌ها بود. هر چند همه زنان احساس ناامنی ملاحظه‌پذیری (از کم تا زیاد) داشتند.

ساترفیلد<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۴) به مطالعه این یافته علمی اقدام کردند که آیا «ترس کمتر مردان سفید پوست آمریکایی از مخاطرات ایمنی در مقایسه با غیر سفیدپوستان و اکثر زنان به‌خاطر موقعیت اجتماعی ممتاز این گروه از مردان است یا خیر؟» نتایج پژوهش نشان داد رابطه میزان آسیب‌پذیری ذهنی با افزایش برآوردهای مخاطره‌ای در حوزه‌هایی وجود دارد که در آن نابرابری‌های اجتماعی می‌توانند مسبب افزایش مخاطره گروه‌های آسیب‌پذیرتر باشند. همچنین آسیب‌پذیری متصور و بی‌عدالتی محیطی پیش‌بینی‌کنندگان خوبی از برآوردهای مخاطره‌ای هستند. ورنانن<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی درباره «مفهوم امنیت آن‌گونه که توسط مردم جوان (۱۳-۱۷ ساله) درک می‌شود» در فنلاند انجام دادند. دختران و پسران، به ترتیب، ناامنی را بیشتر بر حسب شرایط اجتماعی و یک تهدید بیرونی برای تمامیت خود تعریف کردند و پسران به‌خاطر تأکید آن‌ها بر احساسات درونی تعریف فردیت یافته‌تری از امنیت داشتند.

یافته‌های مهم پژوهش‌های پیشین: اول، هرچند شهر شیراز مرکز استانی (فارس) است که از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی در جایگاه چهارم؛ و یاسوج مرکز استانی (کهگیلویه و بویر احمد) است که در جایگاه نوزدهم مراکز استان‌های کشور است (امیراحمدیان، ۱۳۷۵)؛ اما شهروندان آن از احساس امنیت پایین‌تری به نسبت شهروندان شهر یاسوج بهره‌مند هستند. دوم، زنان احساس امنیت پایین‌تری از مردان دارند. سوم، متغیرهایی مانند سطح توسعه‌یافتگی استان، ویژگی‌های خود زنان و مزایای مادی آن‌ها می‌توانند تمایز در میزان احساس امنیت زنان

1. Saterfield
2. Vornanen





را موجب شوند.

### چارچوب نظری پژوهش

نظریه پردازی پیرامون رابطه جنسیت و امنیت به شدت متأثر از تصور نظریه پردازان اجتماعی از ماهیت زنان و مردان است. در کل دو دسته تئوری‌های ذات‌گرایی و تقلیل‌گرایی درباره تصور از زنان و مردان؛ و به تبع آن، رابطه جنسیت و احساس امنیت وجود دارد. ذات‌گرایی بر تقابل ذاتی دو جنس از نظر احساس و هیجان تأکید دارد. اکثر بنیان‌گذاران اولیه جامعه‌شناسی معتقد بودند زنان و مردان ذاتاً در توانایی‌های عقلی، عاطفی و اخلاقی خود متفاوت و نابرابر هستند. اسپنسر بر تفاوت زیست‌شناختی (و نه فرهنگ)؛ کنت بر برتری عاطفی و معنوی زنان؛ دورکیم بر تفاوت زیست‌شناختی و سرسپردگی اجتماعی زنان و پارسونز بر نقش عاطفی زنان در خانه و نقش ابزاری مردان در بیرون از خانواده تأکید داشتند (کاندال<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ چافتز، ۲۰۰۶). در بین کلاسیک‌ها، مارکس و زیمل دیدگاه متفاوتی داشتند. زیمل توجه گسترده‌ای به جنسیت داشت و فرهنگ تحت سلطه مردان را مانع خودمختاری زنان می‌دانست. مارکس و انگلس نابرابری جنسیتی را نتیجه مازاد اقتصادی وراثتی ناشی از توسعه فنی و نهاد مالکیت خصوصی می‌دانستند (چافتز، ۲۰۰۶).

از دهه ۱۹۷۰، علاقه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بر مدلل کردن وجود جنسیت (نه جنس) متمرکز شد، یعنی آن‌ها سعی کردند نشان دهند تفاوت‌ها و تمایزات مردان و زنان نتیجه تفاوت‌های زیست‌شناختی نیست؛ و ایده‌های فرهنگی مسلط مردانگی و زنانگی تصوراتی قالبی هستند که به سختی با واقعیت تطابق دارند. بنابراین، مطالعات بر راه‌ها و فرایندهای جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها، تقسیم نابرابرانه کار در خانوار و تبعیض استخدامی متمرکز شدند (مارشال، ۱۹۹۸: ۲۵۰). نظریه پردازان جنسیت بین تفاوت‌های جنسی و تفاوت‌های جنسیتی تمایز قائل هستند (چافتز، ۲۰۰۶: ۴۶). نظریه جنسیت<sup>۲</sup> نامنی‌ها و امنیت‌ها را وابسته به زمینه<sup>۳</sup> می‌داند (هاگسون و استووی، ۲۰۰۶). فمینیست‌های پست‌مدرن نیز بر «تجارب متفاوت زنان در طبقات و گروه‌های قومی متفاوت» تأکید دارند. مفهوم کلیدی

1. Kandal
2. Gender Theory
3. Context

آن‌ها «تفاوت» است که به «فهم نابرابری‌های جنسیتی بین خود زنان و تنوع تجربی» آن‌ها کمک می‌کند (برادلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵: ۲۸).

گیدنز احساس نامنی زنان را به دوران جدید بسط مدرنیته و پیامدهای آن نسبت می‌دهد. پیامدهای مدرنیته در هر دو عرصه شناختی و ساختاری موجب احساس نامنی زنان می‌شود. از نظر شناختی، ظهور مدرنیته و به‌ویژه تشدید فرایندهای جهانی‌سازی<sup>۲</sup> موجب تضعیف تفاوت‌های جنسیتی شرایط سنتی شد. از نظر ساختاری، حضور زنان در قلمروهای عمومی، گفتمان حاکم در خصوص مردانگی و زنانگی را زیر سؤال برد (گیدنز، ۲۰۰۲: ۶-۱۰۵). یک جنبه مضاعف مدرنیته را به نظم جنسیتی<sup>۳</sup> و فئودالی جامعه صنعتی مربوط می‌داند. در قرن هفدهم اتحاد فلسفه، دین و علم مردانه تقابل‌های بین تولید و خانواده را به «ذات» زنان و «ذات» مردان نسبت می‌داد. همچنین، نظم اجتماعی صنعتی همیشه اصول تقسیم‌ناپذیر مدرنیته - آزادی و برابری - را تقسیم کرده؛ آن‌را تنها به یک جنسیت نسبت می‌داد و از دیگری منع می‌کرد. در مدرنیسمون بازاندیشانه<sup>۴</sup> پایه‌های جنسیتی فئودال جامعه مدرن منحل شد. این انحلال بیشتر در آگاهی و روی کاغذ وجود دارند. در واقعیت نابرابری زنان و مردان «کثیر الوجهی»<sup>۵</sup> است. زنان از تداوم و شدت نابرابری و تبعیض‌ها آگاه‌تر شده‌اند؛ در نتیجه، بیشتر احساس نگرانی و نامنی می‌کنند. به عبارتی، ترکیب به‌طور تاریخی ایجاد شده آگاهی جدید و شرایط قدیمی، به مفهومی مضاعف انفجاری است (تناقضات بین انتظار زنانه از برابری و واقعیت نابرابری، و شعارهای مردانه از مسئولیت متقابل و حفظ تکالیف نقش قدیمی) (بک، ۲۰۰۷). در پرتوی نظریه‌های بالا می‌توان گفت در صورت همسان بودن احساس امنیت زنان دو شهر شیراز و یاسوج، نقش جنس در تبیین احساس امنیت زنان برجسته‌تر از جنسیت است؛ زیرا دو شهر از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی یکسان نیستند. برعکس، در صورتی که زنان دو شهر احساس امنیت همسانی نداشته باشند؛ می‌توان به اهمیت و تأثیر زمینه اجتماعی بر احساس امنیت زنان پی‌برد. از طریق مقایسه ابعاد امنیتی می‌توان پی‌برد که آیا اهمیت متغیرهای

1. Bradley
2. Globalizing
3. Gender Order
4. Reflexive Modernization
5. Omni dimensional



فوق برای تمام ابعاد امنیتی یکسان است یا خیر؟ به عبارتی، آیا نقش جنسیت در تمام ابعاد احساس امنیت اجتماعی مهم‌تر از جنس است یا بعضی از ابعاد آن؟ در کل پاسخ‌گویی به دو سؤال زیر، تا حدودی، در فهم بهترِ مجادلات ذات‌گرایان و حداقل‌گرایان روشن‌گر است: آیا سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها در تعیین احساس امنیت زنان مهم‌تر است یا جنس آن‌ها؟ در صورت مؤثرتر بودن هر یک از عوامل جنس یا جنسیت، هر یک از آن‌ها بیشتر بر کدام بعد احساس امنیت تأثیر دارند؟ برای دستیابی به اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح شد:

۱. بین میزان احساس امنیت اقتصادی زنان و مردان (دو شهر) تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان احساس امنیت قضایی زنان و مردان (دو شهر) تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان (دو شهر) تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان احساس امنیت سیاسی زنان و مردان (دو شهر) تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین میزان احساس امنیت اجتماعی (کلی) زنان و مردان (دو شهر) تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

رویکرد و روش مورد استفاده در این پژوهش، به ترتیب، کمی و پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، جوانان (۱۵-۲۹) ساله ساکن شهرهای شیراز و یاسوج بودند. شهر شیراز شهری است که در آن زنان تحت تأثیر جهانی شدن و روند توسعه فرهنگی « هویت جنسی نوینی » کسب کرده‌اند و مخالفت بیشتری با نگرش‌های نقش - جنسیت کلیشه‌ای دارند (خواجه نوری، ۱۳۸۴). در مقابل شهر یاسوج شهری است که « عشایری بودن، ارتباطات عاطفی و روابط اجتماعی دست نخورده مردم و وابستگی به سنت اصیل و مذهب » آداب و مقررات فرهنگی - اجتماعی خاصی را در آن موجب شده است (گرگی زاده، ۱۳۸۶). اگر استان‌های کشور را بر اساس جمعیت، میزان

توسعه‌یافتگی و همچنین جرم خیزی آن‌ها به سه دسته تقسیم کنیم، استان فارس جزء استان‌های درجه ۱ و استان کهگیلویه و بویر احمد جزء استان درجه ۳ محسوب می‌شود (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲). بنابراین، مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان دو مرکز استان در ابعاد مختلف می‌تواند مفید باشد. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد جوانان شهرهای شیراز و یاسوج، به ترتیب، ۴۴۰۶۸۸ و ۴۸۰۷۹ نفر بوده است. بر اساس جدول تعیین تعداد نمونه لین (۱۹۷۶)، تعداد ۶۰۰ و ۳۵۰ نفر از جوانان ساکن شهرهای شیراز و یاسوج به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، ترکیبی از روش‌ها یا روش «مختلط» بوده است. ابتدا (۱) مناطق مختلف شهرهای شیراز و یاسوج مشخص شد (روش طبقه‌ای)؛ سپس در هر یک از مناطق، با توجه به نسبت (۲) جمعیت جوان آن منطقه و در نظر گرفتن تعداد ۱۰ عدد پرسشنامه برای هر بلوک، تعداد بلوک مربوطه بر اساس روش (۳) سیستماتیک  $N/n$  تعیین شد (روش سیستماتیک). در نهایت برای تعیین اولین بلوک برای پر کردن پرسشنامه، از روش تصادفی ساده استفاده شد. متغیر وابسته مقاله میزان احساس امنیت اجتماعی است که در چهار بعد اقتصادی، سیاسی، عمومی، و قضایی ارزیابی شده است. متغیرهای مستقل نیز جنسیت و محل سکونت هستند.

### یافته‌های پژوهش

پیش از بررسی فرضیه‌ها و روابط بین متغیرها لازم است که تصویری کلی از جمعیت نمونه ارائه شود. بر اساس جدول ۱ از کل جامعه آماری ۵۴/۵۸ درصد زن و ۴۵/۴۲ درصد مرد بوده‌اند. از این تعداد ۶۲/۸۳ درصد متعلق به شهر شیراز و ۳۷/۱۷ درصد متعلق به شهر یاسوج بودند. البته، بیشتر بودن حجم نمونه شهر شیراز بدین علت است که به علت ناهمگون بودن جمعیت شهر شیراز، حجم نمونه برای جوانان این شهر با اطمینان ۹۶ درصد و ضریب خطای ۴ درصد تعیین شده است.



جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد جنسیت پاسخگویان برحسب محل سکونت آنها

جنسیت	زنان		مردان		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
شیراز	۳۱۰	۳۳/۱۱	۲۷۸	۲۹/۷۲	۵۸۸	۶۲/۸۳
ياسوج	۲۰۱	۲۱/۴۷	۱۴۷	۱۵/۷	۳۴۸	۳۷/۱۷
جمع	۵۱۱	۵۴/۵۸	۴۲۵	۴۵/۴۲	۹۳۶	۱۰۰

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد برای سنجش هر یک از ابعاد احساس امنیت اجتماعی ۱۰ گویه در نظر گرفته شد که ضریب آلفای همه آنها بالاتر از ۸۰ درصد بود.

جدول ۲: ابعاد احساس امنیت عمومی و ضریب آلفای مربوطه

ابعاد احساس امنیت	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
اقتصادی	۱۰	۰/۸۲
اجتماعی	۱۰	۰/۸۱
سیاسی	۱۰	۰/۸۵
قضایی	۱۰	۰/۸۳
(کل)	۴۰	۰/۹۲

آماره‌های جدول ۳ بیان‌کننده توزیع درصدی افراد به تفکیک جنس، در سه سطح احساس امنیت پایین، متوسط و بالا ارائه شده است. برای تعیین سطح احساس امنیت پاسخگویان از فرمول انحراف معیار  $\pm$  میانگین استفاده شد. در سطح پایین احساس امنیت، بالاترین درصد زنان و مردان، به ترتیب، به ابعاد اجتماعی و قضایی احساس امنیت اختصاص دارد. در مقابل، در سطح بالای احساس امنیت، کمترین درصد مردان به بعد سیاسی (همان بعدی که بیشترین درصد زنان را در بردارد) اختصاص دارد. بر اساس مقادیر میانگین مربوط به ابعاد احساس امنیت می‌توان گفت هر دوی زنان و مردان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی کمترین میزان احساس امنیت را دارند. اگر با توجه به گویه‌ها میانگین ۲۵ را میانگین متوسط احساس امنیت

فرض کنیم، آماره‌ها نشان می‌دهند که مردان، به‌ویژه زنان، در ابعاد اقتصادی و اجتماعی امنیت، احساس امنیت پایینی دارند، اما در ابعاد سیاسی و قضایی امنیت، میانگین احساس امنیت پاسخگویان بالاتر از حد متوسط است.

جدول ۳: توزیع درصدی میزان پاسخگویان به تفکیک جنسیت، ابعاد مختلف و میانگین امنیت

احساس امنیت	پایین		متوسط		بالا		میانگین	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
اقتصادی	۱۵/۷	۱۶/۹	۷۰/۵	۷۰/۵	۱۳/۸	۱۲/۶	۲۱/۷۸	۲۰/۹۴
اجتماعی	۱۳/۳	۲۱	۶۵	۶۸/۴	۱۸/۳	۱۴	۲۲/۹۴	۲۱/۴۵
سیاسی	۱۶/۲	۱۵/۵	۷۰/۱	۷۱/۵	۱۲/۴	۱۴/۴	۲۶/۲۷	۲۷/۵۴
قضایی	۱۷/۸	۱۴/۲	۷۱/۸	۶۷/۲	۱۵	۱۴	۲۶/۰۹	۲۶/۶۸
(کل)	۱۶/۹	۱۶/۱	۶۷/۴	۶۶/۷	۱۶/۴	۱۶/۵	۹۷/۳	۹۶

آماره‌های جدول ۴ بیان‌کننده رابطه بین جنسیت و میزان احساس امنیت سیاسی در سه شرایط متفاوت؛ و تحلیل واریانس دو طرفه جنسیت و محل سکونت است. میانگین نمرات دو جنس نشان می‌دهد که در شیراز، یاسوج و در کل احساس امنیت سیاسی زنان بیشتر از مردان است، اما این تفاوت‌ها در هیچ یک از شرایط فوق معنادار نیستند. مقایسه زنان شیراز با زنان یاسوج و مردان شیراز با یاسوج نشان می‌دهد که هر دو گروه زنان و مردان شهر یاسوج احساس امنیت سیاسی بالاتری از زنان و مردان شیراز دارند و این تفاوت میانگین در سطح ۹۹ درصد معنادار است. همچنین، پاسخگویان شهر یاسوج، بدون توجه به جنسیت آن‌ها، احساس امنیت سیاسی بالاتری از پاسخگویان شهر شیراز دارند. برای ارزیابی تأثیر متقابل<sup>۱</sup> دو متغیر مستقل جنس و محل سکونت بر احساس امنیت سیاسی، از آنالیز واریانس دو طرفه<sup>۲</sup> استفاده شد. مقدار F و سطح معناداری نشان می‌دهد تأثیر تعاملی دو متغیر مستقل جنس×محل

1. Interaction
2. Two Way ANOVA



سکونت بر احساس امنیت سیاسی پاسخگویان معنادار نیست. می‌توان گفت تأثیر محل سکونت پاسخگویان بر احساس امنیت سیاسی تعیین کننده‌تر از جنس آن‌ها است. به عبارتی در این بعد از احساس امنیت، تأثیر فرهنگی - اجتماعی دو شهر بارزتر از تفاوت‌های جنسی آن‌ها است.

جدول ۴: آزمون T و تحلیل واریانس دو طرفه رابطه جنسیت و محل سکونت با احساس امنیت سیاسی

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی		
۰/۲۵	۱/۱۴	۷/۵۴	۲۵/۸۹	۲۷۴	مرد	شیراز
		۸/۱۱	۲۶/۶۳	۳۱۳	زن	
۰/۶۰	۰/۵۱	۷/۹۶	۲۸/۴۷	۱۴۷	مرد	ياسوج
		۷/۵۳	۲۸/۹۱	۲۰۲	زن	
۰/۲۲	۱/۴۷	۷/۷۶	۲۶/۷۷	۴۲۱	مرد	کل
		۷/۹۶	۲۷/۵۴	۵۱۵	زن	
۰/۰۰۱	۳/۳۰	۸/۱۰	۲۶/۶۳	۳۱۳	زنان شیراز	
		۷/۵۴	۲۸/۹۵	۲۰۲	زنان ياسوج	
۰/۰۰۱	۳/۲۰	۷/۵۳	۲۵/۸۹	۲۷۴	مردان شیراز	
		۷/۹۴	۲۸/۴۰	۱۴۷	مردان ياسوج	
۰/۰۰۰	۲۰/۶۵	۷/۸۴	۲۶/۲۹	۵۸۷	شهر شیراز	
		۷/۷۰	۲۸/۷۲	۳۴۹	شهر ياسوج	
۰/۸۵	۰/۰۳۵				جنس × شهر سکونت	

جدول ۵ به نتایج آزمون T و تحلیل واریانس دو طرفه جنسیت و محل سکونت برای احساس امنیت اقتصادی پاسخگویان مربوط است. بر اساس مقایسه میانگین گروه‌های دوگانه، تفاوت معناداری بین احساس امنیت اقتصادی زنان و مردان به تفکیک شهر محل سکونت آن‌ها وجود ندارد، اما در حالت کل، با توجه به مقدار  $F(۴/۲۴)$  و سطح معناداری (۰/۰۴)، مردان با مقدار میانگین ۲۱/۷۸، احساس امنیت اقتصادی بالاتری از زنان (با میانگین ۲۰/۹۴) دارند. تفاوت احساس امنیت اقتصادی میان خود زنان و مردان نیز معنادار نیست. همچنین، تأثیر

متقابل دو عامل جنس و محل سکونت بر احساس امنیت اقتصادی معنادار نیست. بنابراین، می‌توان گفت تأثیر جنس بر احساس امنیت اقتصادی تعیین‌کننده‌تر از محل سکونت پاسخگویان بوده است.

جدول ۵: آزمون تحلیل واریانس احساس امنیت اقتصادی زنان و مردان به تفکیک محل سکونت

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۰/۱۳	-۱/۴۹	۶/۱۳	۲۱/۵۴	۲۷۴	مرد
		۶/۲۲	۲۰/۷۷	۳۱۳	زن
۰/۱۵	-۱/۴۱	۶/۶۸	۲۲/۲۳	۱۴۵	مرد
		۶/۸۰	۲۱/۱۹	۲۰۱	زن
۰/۰۴	۴/۲۴	۶/۴۵	۲۰/۹۴	۵۱۵	زن
		۶/۳۳	۲۱/۷۸	۴۲۱	مرد
۰/۴۷	-۰/۷۱	۶/۲۲	۲۰/۷۷	۳۱۳	زنان شیراز
		۶/۸۰	۲۱/۱۹	۲۰۲	زنان یاسوج
۰/۲۸	-۱/۰۶	۶/۱۳	۲۱/۵۴	۲۷۴	مردان شیراز
		۶/۶۸	۲۲/۲۳	۱۴۷	مردان یاسوج
۰/۲۰	۱/۶۰	۶/۱۸	۲۱/۱۳	۵۸۷	شهر شیراز
		۶/۷۶	۲۱/۶۳	۳۴۹	شهر یاسوج
۰/۷۵	۰/۰۹				جنس x شهر سکونت

جدول ۶ نتایج آزمون رابطه جنس، محل سکونت و تأثیر متقابل آن‌ها با احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان است. همان‌طور که مقدار  $F(۴/۷۲)$  و سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد زنان در هر سه حالت مقایسه‌ای در شهر شیراز، یاسوج و در کل احساس امنیت اجتماعی پایین‌تری از مردان دارند و این تفاوت میانگین در هر سه حالت در سطح فراتر از ۹۹ درصد معنادار است. از طرف دیگر، هیچ تفاوت معناداری بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شیراز با زنان یاسوج و مردان شیراز با مردان یاسوج وجود ندارد. به علاوه تفاوت میانگین





احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بر اساس محل سکونت آن‌ها؛ و تعامل جنس × محل سکونت معنادار نیست. می‌توان گفت تفاوت معنادار مقادیر میانگین‌های احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان در هر سه وضعیت مقایسه‌ای، بیان‌کننده این است که جنس برای تبیین احساس ناامنی اجتماعی نقشی تعیین‌کننده‌تر از محل سکونت دارد.

جدول ۶: آزمون تحلیل واریانس احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان به تفکیک محل سکونت

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۰/۰۰۵	۶/۲۶	۲۲/۷۹	۲۷۴	مرد	شیراز
		۲۱/۳۴	۳۱۳	زن	
۰/۰۱	۶/۶۵	۲۳/۲۵	۱۴۵	مرد	ياسوج
		۲۱/۵۹	۲۰۱	زن	
۰/۰۰۰	۶/۴۰	۲۲/۹۵	۵۱۵	مرد	کل
		۲۱/۴۴	۴۲۱	زن	
۰/۶۳	۰/۴۶	۶/۲۴	۲۱/۳۵	۳۱۳	زنان شیراز
		۶/۱۳	۲۱/۶۱	۲۰۲	زنان ياسوج
۰/۴۹	۰/۶۸	۶/۲۵	۲۲/۷۸	۲۷۴	مردان شیراز
		۶/۶۳	۲۳/۲۳	۱۴۷	مردان ياسوج
۰/۴۰	۰/۶۸	۶/۲۸	۲۲/۰۲	۵۱۷	شهر شیراز
		۶/۳۸	۲۲/۲۹	۳۴۹	شهر ياسوج
			۰/۸۳	۰/۰۴۶	جنس × شهر سکونت

آماره‌های جدول ۷ بیان‌کننده رابطه بین جنسیت، محل سکونت و تأثیر متقابل آن‌ها با احساس امنیت قضایی پاسخگویان است. بر اساس آماره‌های جدول، میانگین احساس امنیت قضایی زنان شیراز کمتر از مردان شیراز؛ اما میانگین احساس امنیت قضایی زنان شهر ياسوج بالاتر از مردان این شهر است. همچنین مردان و زنان شهر شیراز احساس امنیت قضایی بیشتری از مردان و زنان شهر ياسوج داشته‌اند. اما تفاوت میانگین احساس امنیت قضایی زنان

و مردان و پاسخگویان دو شهر در هیچ یک از حالات مقایسه‌ای و حالت تعاملی دو متغیر مستقل معنادار نیست.

جدول ۷: آزمون تحلیل واریانس احساس امنیت قضایی زنان و مردان به تفکیک محل سکونت

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی		
۰/۰۹	۱/۶۵	۷/۲۳	۲۵/۶۷	۲۷۴	مرد	شیراز
		۶/۳۹	۲۶/۶۱	۳۱۳	زن	
۰/۸۶	-/۱۶	۶/۹۳	۲۶/۸۶	۱۴۵	مرد	ياسوج
		۶/۳۹	۲۶/۷۴	۲۰۱	زن	
۰/۱۹	۱/۲۹	۶/۳۸	۲۶/۶۶	۴۲۱	مرد	کل
		۷/۱۴	۲۶/۰۸	۵۱۵	زن	
۰/۸۱	-۰/۲۳	۶/۳۸	۲۶/۶۲	۳۱۳		زنان شیراز
		۶/۳۸	۲۶/۷۶	۲۰۲		زنان ياسوج
۰/۱۱	-۱/۶۰	۷/۲۲	۲۵/۶۸	۲۷۴		مردان شیراز
		۶/۸۹	۲۶/۸۵	۱۴۷		مردان ياسوج
۰/۱۵	۲/۰۰۳	۶/۷۹	۲۶/۱۸	۵۸۷		شهر شیراز
		۶/۵۹	۲۶/۷۹	۳۴۹		شهر ياسوج
۰/۲۶	۱/۲۶					جنس × شهر سکونت

جدول ۸ بیان‌کننده آزمون رابطه جنس، محل سکونت و تأثیرات تعاملی آن‌ها با احساس امنیت کلی پاسخگویان است. احساس امنیت اجتماعی کل، حاصل جمع هر چهار بعد احساس امنیت است. مقادیر میانگین‌ها نشان می‌دهند که مردان در هر دو شهر شیراز و ياسوج و در کل احساس امنیت اجتماعی بالاتری از زنان دارند. سطح معناداری نشان می‌دهد تفاوت نمره میانگین‌های احساس امنیت اجتماعی کلی دو جنس، در هیچ یک از شرایط مقایسه‌ای معنادار نیست. مقایسه‌های زنان و مردان دو شهر با یکدیگر نشان می‌دهد زنان و مردان شهر ياسوج، به ترتیب، احساس امنیت کلی بالاتری از زنان و مردان شهر شیراز دارند. در کل تفاوت



احساس امنیت اجتماعی کلی پاسخگویان دو شهر در هر سه حالت مقایسه‌ای در سطح ۹۵ درصد معنادار است، اما تأثیر تعاملی جنس و محل سکونت بر احساس امنیت کلی معنادار نیست. این یافته مؤید پژوهش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰) و کرامتی (۱۳۸۵) (نامنی بیشتر شیراز نسبت به یاسوج) و نظریات بک و گیدنز (مدرنیته بیشتر = مخاطرات بیشتر = احساس نامنی بیشتر) است. می‌توان گفت زمینه اجتماعی - فرهنگی، به نسبت جنس، تأثیر بیشتری بر میزان احساس امنیت اجتماعی کلی پاسخگویان داشته است.

جدول ۸: آزمون تحلیل واریانس احساس امنیت کلی زنان و مردان به تفکیک محل سکونت

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	
۰/۶۱	-/۵۰	۲۰/۳۸	۹۵/۴۹	۲۷۴	مرد
		۲۰/۳۸	۹۴/۶۳	۳۱۳	زن
۰/۲۴	-۱/۱۷	۲۲/۴۸	۱۰۰/۸۴	۱۴۵	مرد
		۲۰/۵۲	۹۸/۱۱	۲۰۱	زن
۰/۳۳	-/۹۷	۲۱/۲۶	۹۷/۳۵	۴۲۱	مرد
		۲۰/۵	۹۶	۵۱۵	زن
۰/۰۵	-۱/۹۶	۲۰/۳۴	۹۴/۶۶	۳۱۳	زنان شیراز
		۲۰/۶۰	۹۸/۲۸	۲۰۲	زنان یاسوج
۰/۰۱	-۲/۴۲	۲۰/۳۴	۹۵/۴۸	۲۷۴	مردان شیراز
		۲۲/۴۰	۱۰۰	۱۴۷	مردان یاسوج
۰/۰۰۲	۹/۸۱	۲۰/۳۳	۹۵/۰۴	۵۸۷	شهر شیراز
		۲۱/۳۸	۹۹/۳۱	۳۴۹	شهر یاسوج
۰/۵۶	۰/۳۲				جنس × شهر سکونت

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی رابطه جنسیت با احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرهای شیراز و یاسوج بود. سؤال‌های اساسی پژوهش حاضر عبارتند هستند: ۱- آیا میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان بیشتر متأثر از ویژگی‌های زیست‌شناختی یا شرایط اجتماعی - فرهنگی آنها است؟ ۲- آیا تأثیرات هر یک از متغیرهای فوق بر هر یک از ابعاد چهارگانه احساس

امنیت یکسان است یا خیر؟ پاسخگویی به سؤال‌های فوق مستلزم بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان در دو شرایط اجتماعی- فرهنگی متفاوت بود. لذا، شهرهای شیراز و یاسوج به‌عنوان دو شهر که از نظر حجم جمعیت، تراکم، وضعیت قومی و توسعه‌یافتگی اجتماعی- اقتصادی با هم تفاوت دارند به‌عنوان مبنای مقایسه و جامعه آماری پژوهش انتخاب شدند. حجم نمونه پژوهش، بر اساس جدول لین، برای هریک از شهرهای شیراز و یاسوج، به ترتیب، ۶۰۰ و ۳۵۰ نفر برآورد شدند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، روش مختلط یا ترکیبی بوده است. در این پژوهش احساس امنیت عمومی پاسخگویان در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و قضایی ارزیابی شد.

بر اساس یافته‌های پژوهش در بعد سیاسی احساس امنیت، تأثیر فرهنگی- اجتماعی محل سکونت بارزتر از تفاوت‌های جنسی است. زیرا، پاسخگویان شهر یاسوج (در کل و زنان و مردان به تفکیک) احساس امنیت سیاسی بالاتری از پاسخگویان شهر شیراز داشتند و تفاوت میانگین احساس امنیت سیاسی پاسخگویان در هر سه حالت فوق از نظر آماری معنادار بود.

در بعد اقتصادی، مردان، در کل و بدون تفکیک محل سکونت آن‌ها، احساس امنیت اقتصادی بالاتری از زنان داشتند، اما تفاوت احساس امنیت اقتصادی زنان شیراز با زنان یاسوج و مردان این دو شهر با یکدیگر معنادار نبود. می‌توان گفت جنس، تا حدودی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر احساس امنیت اقتصادی پاسخگویان داشته است. بارزترین تفاوت‌های میزان احساس امنیت پاسخگویان، بر حسب جنس، به احساس امنیت اجتماعی آن‌ها مربوط می‌شود. تفاوت میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان در هر سه حالت مقایسه‌ای (شهر شیراز، یاسوج و در کل) معنادار بوده است؛ اما تفاوت احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان دو شهر با هم جنس خود از نظر آماری معنادار نبود. بنابراین، می‌توان گفت تأثیر جنس بر این بعد از احساس امنیت تعیین‌کننده‌تر از زمینه فرهنگی- اجتماعی است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، بیشترین ابهام به بعد قضایی احساس امنیت مربوط می‌شود. تحلیل داده‌ها نشان داد که نه بر حسب تفاوت‌های جنسی و نه تفاوت‌های جنسیتی (محل سکونت)، تفاوت معناداری بین میزان احساس امنیت قضایی پاسخگویان وجود ندارد. درباره بعد کلی امنیت نیز می‌توان گفت، زنان و مردان و پاسخگویان شهر یاسوج احساس امنیت کلی بالاتری از زنان، مردان و پاسخگویان شهر شیراز دارند. در ضمن، تأثیر تعاملی محل سکونت و



جنس پاسخگویان بر میزان احساس امنیت آن‌ها در هیچ یک از ابعاد امنیت معنادار نبوده است. در مجموع مهم‌ترین یافته‌های پژوهش موارد زیر هستند:

۱. میزان احساس امنیت زنان و مردان در همه ابعاد آن تحت تأثیر عوامل یکسانی قرار ندارد و هر دو متغیر جنس و زمینه اجتماعی - فرهنگی بر احساس امنیت عمومی تأثیر گذارند؛ هر چند تأثیرات آن‌ها بر ابعاد متفاوت احساس امنیت یکسان نیست.
۲. بر اساس یافته‌های این پژوهش زنان و مردان شهر شیراز احساس امنیت کمتری از زنان و مردان یاسوج دارند (در تمام ابعاد). هر چند این تفاوت در بعد سیاسی احساس امنیت بارزترین است.
۳. به تفکیک جنس نیز می‌توان گفت تنها در ابعاد اجتماعی و اقتصادی امنیت، زنان احساس امنیت کمتری از مردان دارند؛ اما در دیگر ابعاد امنیت تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد.

بنابراین، برای بررسی امنیت و احساس امنیت باید آن را به صورت پدیده‌ای چند بعدی در نظر گرفت که همه ابعاد آن در بین جنس‌های مختلف و شهرهای متفاوت اهمیت یکسانی ندارند. همچنین جنسیت نیز پدیده‌ای «کثیرالوجهی» است که نمی‌توان هیچ یک از ابعاد زیست‌شناختی یا جنسیتی آن را نادیده گرفت. براساس یافته‌های این مقاله، در ابعاد عمومی و اقتصادی، تأثیر جنس بر احساس امنیت برجسته‌تر از شرایط اجتماعی - فرهنگی است و برعکس، در بعد سیاسی امنیت، تأثیر شرایط اجتماعی - فرهنگی بر میزان احساس امنیت بارزتر از تأثیر جنس است، اما در خصوص بعد قضایی احساس امنیت ابهام وجود دارد که مستلزم مطالعه بیشتر پیرامون این بعد از احساس امنیت است. یافته‌های این مقاله مؤید استدلال ذات‌گرایان در بعد عمومی و اقتصادی احساس امنیت زنان و استدلال تقلیل‌گرایان و تئوری‌های پست مدرن در بعد سیاسی امنیت است که، به ترتیب، بر جنس و تجارب متفاوت زنان در طبقات و گروه‌های قومی متفاوت تأکید دارند.

## منابع

- اباذری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه، (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره ۶، بهار، ۷۵ - ۱۰۳.
- احمدی، حبیب؛ مرادی، گلمراد و آذرگون، زهره، (۱۳۸۶). بررسی رابطه مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر اسلام آبادغرب)، فصلنامه توسعه انسانی، دوره اول، شماره ۴، تابستان، ۹۱ - ۱۱۰.
- افروغ، عماد، (۱۳۸۱). جامعه شناسی امنیت؛ مؤلفه‌ها و ریشه‌های تاریخی، راهبرد، شماره ۲۶، زمستان، ۲۴۰ - ۲۶۳.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۸). رتبه بندی استان‌ها کشور بر اساس شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، پاییز، ۹۹ - ۱۲۷.
- امیدوار، علی رضا و جعفریانی، ابراهیم، (۱۳۸۴). تأثیر سیاست‌های رفاهی بر امنیت اجتماعی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، ۵۹ - ۹۴.
- باستانی، سوسن، (۱۳۸۳). توسعه، برابری و جنسیت: جایگاه ایران در بین کشورهای جهان، مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۴، بهار، ۱۷۷ - ۱۸۸.
- جهانیان، ناصر، (۱۳۸۱). امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حاجیان، ابراهیم، (۱۳۸۴). چارچوب روش شناسی برای بررسی احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، ۱۷ - ۳۳.
- حسینی فر، عبدالرحمن، (۱۳۸۳). دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، پاییز، شماره ۲۳، ۱۲۱ - ۱۴۲.
- خواجه نوری، بیژن، (۱۳۸۴). جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان بررسی موردی در دو شهر شیراز و استهبان، مطالعات زنان، سال ۳، شماره ۷، بهار، ۵ - ۳۲.
- خوش‌فر، غلامرضا، (۱۳۸۴). بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول، ۲۵۷ - ۲۹۳.



- دلاور، علی و رضایی، علی محمد، (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای احساس امنیت در تهران بزرگ، یزد و کل کشور، امنیت، سال پنجم، شماره ۴، تابستان، ۱۵۳-۱۸۶.
- رجب زاده، احمد، (۱۳۸۱). مقایسه فعالیت فرهنگی زنان و مردان در ایران، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳، پاییز، ۳۷-۵۴.
- سازمان ملی جوانان، (۱۳۸۲). بررسی وضع انحرافات جنسی جوانان/ پژوهش و پژوهش سازمان ملی جوانان، تهران: اهل قلم، گزارش ۱۷، بهار.
- سازمان ملی جوانان، (۱۳۸۴). گزارش آسیب‌های اجتماعی سال‌های ۱۳۸۰-۸۲. تهران: سازمان ملی جوانان.
- صادقی فسایی، سهیلا و کلهر، سمیرا، (۱۳۸۶). ابعاد شکاف جنسیتی و میزان تحقق کاهش آن در برنامه سوم توسعه، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲، پاییز، ۵-۲۸.
- عبدالرحمنی، رضا، (۱۳۸۷). جایگاه پلیس اجتماع محور در تغییر الگوهای رفتار اجتماعی با هدف افزایش امنیت و احساس امنیت، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره چهار جدید، بهار (۱۳)، ۱۱-۳۰.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۳). زنان و نهادهای مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲، تابستان، ۶۳-۹۹.
- علینقی، امیر حسین، (۱۳۷۸). فرهنگ و انسجام اجتماعی ایران: گذشته، حال و آینده، مطالعات راهبردی، بهار، شماره ۳، ۶۳-۷۰.
- قالیباف، محمد باقر، (۱۳۸۴). متن سخنرانی سرتیپ پاسدار دکتر محمد باقر قالیباف، در مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، (تهران ۱۳۸۲) (ج ۱)، تهران: گلپونه، ۳۱-۵۱.
- کتابی، محمود؛ میرزایی، جلال و شاه‌رخی، احسان، (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان، فصلنامه توسعه انسانی، دوره دوم، شماره ۲، زمستان، ۳۱-۵۵.

کرامتی، مهدی، (۱۳۸۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان کشور (پیمایش دوم)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ششم و هفتم، ۱۴۹-۱۷۶.

کلاهیچیان، محمود، (۱۳۸۴). راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۳-۱۶۸.

گرجی زاده، اسدالله، (۱۳۸۶). کمترین میزان زندانیان زن را در کشور داریم، تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ششم، تهران: نی. معین، محمد، (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: امیر کبیر.

نوروزی، فیض‌اله و فولادی سپهر، سارا، (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله در شهر تهران، مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، ایسپا، سال اول، شماره سوم، تابستان، ۷۲-۵۵.

نویدینیا، منیژه، (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۲). یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ویرایش اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۸۲). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، موج دوم، ویرایش اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

همایون مصباح، حسین، (۱۳۸۴). امنیت روانی، اقتصادی و اجتماعی، اندیشه، سال یازدهم، شماره پنجم، آذر و دی ماه، ۸۷-۱۱۰.

Afshari, Z& sheibani, I, (2006). Women's participation in the Industrial sector of Iran: Evaluating the Scopes for Creating Jobs for Women, *Women's Studies*, Vol.3, No.3, winter, 71-96.

Beck, U, (2007). *Risk society: Towards a New Modernity*, seventh print, London: Sage.





- Bradley, H, (1995). Changing Social Divisions: Class, Gender and Race, in: Robert Bocoock and Kenneth Thompson (Eds), *Social and Cultural Forms of Modernity*, Third print, Cambridge: Open University, 11-69.
- Break well, G, (2007). *The Psychology of Risk*, UK: Cambridge.
- Chafetz, J. S, (2006). The Varieties of Gender Theory in Sociology, in: *Handbook of the Sociology of Gender*, Janet Saltzman Chafetz (Eds), USA: Springer, 3-24.
- Davis, K, (1966). *A Sociological View*, In: *Man's Quest for Security*, Edited by, Edwin J. Faulkner, USA: Lincoln.
- Giddens, A, (2002). *Living in a Post- Traditional Society*, in: *Reflexive Modernization*, Ulrich Beck& Anthony Giddens and Scott Lash, Fifth Print, USA: Black Well.
- Jackson, J, (2006). Introducing Fear of Crime to Risk Research, *Risk Analysis*. Vol, 26, No, 1, 253- 264.
- Hamalainen, J, (2004/ 2005). Social Insecurity and Social Exclusion: Old and New Challenges for Social Policy and Social Work, *Journal of Social*, Journal Issue 10, February, 3- 15.
- Hommel, D, (2009). *Placing Risk and Security: News Media Framing of The 2004 Tsunami Disaster*, A Dissertation of Geography for the Degree of Doctor of Philosophy, Oregon: University of Oregon.
- Hoogensen, G & Stuvoy, K, (2006). Gender, Resistance and Human Security, *Dialogue*, Vol, 37, No, 2, June, 207- 228.
- Kandal, T.R, (1988). *The Women Question in Classical Sociological Theory*, Miami: Florida International University.
- Line, N, (1976). *Foundation of Social Research*, New York: McGraw Hill.
- Lynch, A. & Atkins, S, (1988). The influence of personal security fears on woman's travel patterns, *Transportation*, July, 15, 3, 257- 277.
- Marshall, G, (1998). *A Dictionary of Sociology*, Oxford: Oxford University.
- Satterfield, T .A. & Mertz, C. K. and Slovic, P,(2004). Discrimination, vulnerability and justice in the face of risk, *Risk Analysis*, 24, 115- 29.
- Thomas, C, (2007). *Globalization and Human Security*, In: *Globalization, Development and Human Security*, Edited by, Anthony McGrew & Nana K, London: polity, 107- 132.
- Turner, J.H, (2003). *the Structure of Sociological Theory*, Belmont California: Wads worth Publishing Company.
- Vornanen, R & Torronen, M & Niemela, P, (2009). Insecurity of young people: The meaning of insecurity as defined by 13-17- year - old Finns, *Yong*, Vol17 (4), 399- 419.

نویسندگان

حلیمه عنایت

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه چنددیگر- پنجاب - هندوستان  
henayat@rose.shirazu.ac.ir  
دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز  
او نویسنده بیش از ۳۰ مقاله علمی - پژوهشی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در حوزه‌های  
جامعه‌شناسی زنان و خانواده است.

مجید موحد

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه چنددیگر- پنجاب - هندوستان  
mmovahed@rose.shirazu.ac.ir  
دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز  
او نویسنده بیش از ۵۰ مقاله علمی - پژوهشی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در حوزه‌های  
جامعه‌شناسی دین و جنسیت و تغییرات فرهنگی است.

رحم‌اله حیدری

فارغ التحصیل دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه شیراز در سال ۱۳۹۰  
alheidari2011@mail.yu.ac.ir؛ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج؛ حوزه علاقه  
او مباحث مربوط به تغییرات- توسعه اجتماعی و بررسی مسائل اجتماعی است.